

شفاعت در آموزه های قرآنی

احمد محمدی

شفاعت و شفیع گرفتن پیامبران الهی و ائمه اطهار(ع) از جمله مسابلی است که بسیاری از فرقه های اسلامی، به ویژه شیعیان به آن اعتقاد دارند.

اما اینکه شفاعت چگونه است و در چه شرایطی تحقق می یابد نکته ای قابل تأمل است که بیان و شرح آن می تواند به روشن شدن اصل این موضوع کمک شایان نماید. نویسنده کوشیده است گذرا و اجمالی نگاهی به این مبحث داشته باشد. مطلب را با هم از نظر می گذرانیم.

مفهوم شفاعت

بارها در کودکی اتفاق افتاده که کاری را انجام می دهید بی آن که از پیامدهای آن آگاه باشید و یا اگر آگاه هستید از روی جهالت و هوس های زودگذر و احساسات آن را انجام می دهید. در این حالت است که در برابر پدر قرار می گیرید و از خشم و عصبانیت رو زرد می کنید. تنها چاره کار وساطت مادر و دایی و خاله و عمه است کسانی که پدر به نظرات آنان توجه می کند و کوتاه می آید. اگر پدر بزرگ و مادر بزرگی هم واسطه شود که نور علی نور است. این جاست که یکی پا پیش می گذارد و واسطه می شود و از پدر می خواهد که از شما درگذرد. پدر نیز به حرمت و احترام دیگری کوتاه می آید و از او می گذرد. شفاعت به معنای همراهی کس دیگر برای پوزش خواهی است. از این روست که در مفردات الفاظ قرآن کریم راغب اصفهانی درباره واژه شفاعت در قرآن آمده است، شفاعت، انضمام و پیوستن به دیگری برای یاری رساندن به وی و درخواست کمک از او است. کاربرد آن بیش تر در مورد قرار گرفتن مقامی برتر و گرامی تر در کنار شخصی پایین تر است. شفاعت در قیامت نیز همین معنا را دارد. (مفردات راغب اصفهانی ص ۴۵۷ ذیل واژه شفیع)

انواع شفاعت

البته علامه محمدحسین طباطبایی بر این باور است که شفاعت گاهی تکوینی است که به هر سببی در عالم اسباب اطلاق می شود و گاهی تشریحی است که به عالم ثواب و عقاب و پاداش و کیفر مربوط می باشد و محل آن در آخرین موقف و ایستگاه قیامت است. در این جاست که شفاعت کننده تقاضای مغفرت شفاعت شونده را می کند تا بدین وسیله وارد دوزخ نشود یا با شفاعت او برخی از کسانی که وارد دوزخ شده اند بیرون آورده شوند. (تفسیر المیزان ج ۱ ص ۱۷۳)

خداوند در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران تأثیر وساطت و شفاعت پیامبران در پیشگاه خداوند برای آموزش گناهان را مطرح می کند و در آیه ۹۷ و ۹۸ سوره یوسف نمونه ای از آن را بیان می کند. در آیه ۶۴ سوره نساء خداوند توضیح می دهد که چگونه شفاعت پیامبران می تواند تأثیرات شگرفی به جا بگذارد. به این معنا که اگر مردمانی که گناه پیشه کرده و بر خود ستم روا داشته بودند اگر پیامبران خویش را واسطه می کردند تا ایشان در پیشگاه خداوند واسطه می شدند دچار عذاب و خشم الهی نمی شدند. از این رو از امت اسلام می خواهد که پیامبر(ص) را واسطه قرار دهند و شفاعت وی را همانند سخن خویش بشمارند؛ زیرا طلب و درخواست استغفار پیامبر(ص) در پیشگاه خداوند از ارج و قرب بس یاری برخوردار است و هرگز رد نمی شود. در آیه ۷۹ سوره اسراء مقام شفاعت به عنوان مقامی والا و ارجمند در پیشگاه الهی مطرح می شود و در تفسیر نور الثقلین روایت می شود که مراد از مقام محمود و پسندیده ای که پیامبر(ص) با تهجد شبانه بدان دست می یابد مقام شفاعت امت است. (تفسیر نور الثقلین ج ۳ ص ۲۱۱ حدیث ۴۰۲) بنابراین مقام شفاعت و کاربردهای آن نشان می دهد که مقامی مهم و بلندی است که

کسی جز برخی از اولیای الهی بدان دست نخواهند یافت.

ویژگی های شفاعت

آیات قرآنی شفاعت های غیرالهی را یک اصل کلی بی فایده می شمارد. به این معنا که در آیاتی تاسیس اصلی می کند که آن عدم تاثیرگذاری شفاعت است. بنابراین نمی بایست امید به پذیرش و تاثیر شفاعت غیرخدا داشته باشیم. از جمله این آیات می توان به سوره طه آیه ۱۰۹ و یونس آیه ۳ و سبأ آیه ۲۳ اشاره کرد که در این آیات سخن خداوند اینگونه است: و لاتنفع الشفاعة عنده؛ شفاعت نزد پروردگار سودی نمی بخشد و یا عبارتی که این مفهوم و معنا را بیان می کند.

شفاعت با اذن الهی

با این همه خداوند امید به شفاعت را در همین آیات و آیات مشابه بر می انگیزد و با استثنا کردن اشخاص و مسایلی شفاعت را مورد تاکید و تایید قرار می دهد. اشخاصی از اولیای خداوند در اموری جز شرک بالله استثنا می شوند تا این اشخاص به اذن الهی در اموری جز شرک به خداوند شفاعت کنند و گناهانشان آمرزیده و یا از دوزخ رهایی یابند پس از آن که در آن وارد شده و گرفتار آن گردیده و زمانی در آن عذاب شده اند.

این اشخاصی که مجاز می شوند تا به اذن و دستور الهی شفاعت کنند، بندگان خاص الهی هستند که گاه از آنان به عباد مکرمون (انبیاء آیه ۲۶ و ۲۸) یاد می شود. البته این عباد مکرمون تنها انسان ها نیستند بلکه حتی فرشتگان خداوند نیز به اذن الهی می توانند در حق انسان ها و جنیانی که شرک به خدا نورزیده اند شفاعت کنند. (انبیاء آیه ۲۶ و ۲۸ و نیز نجم آیه ۲۶ و نگاه کنید مجمع البیان ج ۷ و ۸ ص ۷۱ و نیز کشف زمخشری ج ۳ ص ۱۱۳ که ولد در آیه را بر فرشتگان بار کرده اند)

بنابراین ویژگی مهمی که قرآن برای شفاعت بیان می کند در غیر شرک به خداوند و از سوی برخی اولیای خاصی است که از مقام بلند و محمودی برخوردار می باشند.

در آیه ۲۵۵ سوره بقره و آیه ۳ سوره یونس و آیات دیگر تاثیر شفاعت این شافعان خاص را منوط به اذن الهی دانسته است که خود شرطی مهم و اساسی است. از این رو شفاعت بدون اذن الهی در قیامت تاثیری نخواهد گذاشت و فایده و سودی برای شفاعت شوندگان ندارد. (بقره آیه ۱۲۳ و ۲۵۴ و مریم آیه ۸۵ و ۸۷)

شرایط شفاعت

قرآن برای شفاعت شفاعت کننده و شفاعت شونده شرایطی را مطرح کرده است که از مهم ترین شرایط در شفاعت کننده داشتن مقام محمود و کرامت است. تنها برخی از اولیای الهی به این مقام دست می یابند و از میان بندگان الهی شماری اندک هستند که می توانند در برابر خداوند ایستاده و تقاضای بخشش و شفاعت در حق دیگران نمایند.

دوری از شرک

از شرایط مهم شفاعت شونده این است که اهل توحید و از شرک به خدا مبرا باشد. خداوند در آیه ۸۶ سوره زخرف ملاک برخورداری از مقام شفاعت را توحید و اعتراف به آن دانسته است. علامه طباطبایی مقصود از عبارت شاهد بالحق را اعتراف به توحید دانسته و آن را شرط اساسی برای شفاعت بر می شمارد. (المیزان ج ۱۸ ص ۱۲۷)

در برخی از آیات نیز از جمله آیه ۷۲ سوره مریم بر این حکم و قضای الهی تاکید می شود که همه کافران و فاسقان و مشرکان وارد دوزخ می شوند و از این میان کسانی که از پلشتی ها دوری ورزیده اند از دوزخ رها می شوند. در آیه دیگر توضیح می دهد که مخلدان در دوزخ تنها اهل شرک می باشند؛ زیرا خداوند از همه گناهان به شفاعت و یا غیرشفاعت می گذرد و فقط از گناه کسانی که شرک ورزیده اند نمی گذرد.

خشیت از خداوند

آیه ۲۸ سوره انبیاء یکی از شرایط شفاعت کننده را خوف و خشیت از خداوند بر شمرده است چنان که در همین آیه آنان را اهل رضایت دانسته است. این بدان معناست که برای شفاعت کننده شرایط سخت و دشواری است که از آن جمله می توان به رضایت و خشنودی خداوند از شفاعت کننده اشاره کرد. این شرط خود بیانگر آن است که تنها برخی از اولیای الهی که به مقام رضا دست یافته می توانند شفاعت کنند. از این رو می بایست مقام رضا را از مقامات عباد مکرمون دانست.

به سخن دیگر عباد مکرمون کسانی هستند که از ویژگی ها و صفات خاصی برخوردار می باشند که از جمله آن ها دارا بودن مقام رضا (انبیاء آیه ۲۶ تا ۲۸) عقل و خردورزی کامل (زمر آیه ۴۳) علم به استحقاق شفاعت شوندگان و آگاهی به ذات و خصوصیات آنان (از ظاهر و باطن و خفی و اخفی) که علم خاص و آگاهی تام و تمامی است (زخرف آیه ۶) قدرت بر تاثیرگذاری (یس آیه ۲۳ و نیز یونس آیه ۱۸) و مالکیت و فرمانروایی (زمر آیه ۴۳ و ۴۴ و نیز نجم آیه ۲۵ و ۲۶) می باشد.

اگر به شرایط شفاعت کننده در این آیات توجه شود دانسته می شود که تنها برخی از بندگان خاص می توانند دارای این ویژگی ها باشند تا بتوانند به مقام شفاعت برسند. شخصی که دارای علمی همانند علم الهی باشد و قدرت و مالکیت تصرف در کائنات داشته باشد تنها خلیفه الهی و انسان کاملی است که در دنیا در مقام خلافت کامل بوده است. این بیانگر آن است که تنها اولیای معصوم چون پیامبر(ص) و اما مان (ع) می توانند به چنین مقامی دست یابند و از پیامبران(ع) نیز تنها آن هایی که به مقام خلافت الهی کامل دست یافته باشند.

از شرایط شفاعت شونده نیز یک شرط اساسی مطرح است که آن توحید و عدم شرک به خداوند است و در حقیقت هرکسی هرگناهی داشته باشد و حتی معاد و نبوت را نپذیرفته باشد به شرط آن که اهل توحید باشد می تواند از دوزخ رها شود و درحقیقت جزو خالدین در دوزخ نخواهد بود و به حکم توحید از دوزخ رهایی می یابد. اینان کسانی هستند که از شفاعت عام پیامبر(ص) برخوردار خواهند شد. البته برخی شفاعت را تنها تا موقف اخیر پیش از دوزخ دانسته اند ولی با توجه به حکم الهی و کرامتی که به پیامبر(ص) داده شده است می توان گفت که شفاعت ایشان شامل کسانی هم می باشد که در دوزخ نیز می افتند و با شفاعت آن حضرت(ص) رهایی می یابند و پس از دوزخ و تعذیب از اخلاص آن رها می شوند. این همان مقام ارتضا است که بدان پرداخته می شود.

هرکسی از شفاعت شوندگان در مرتبه ای از شفاعت برخوردار می شوند. برخی در موقف های دنیوی و یا برزخی و بر خی دیگر در مواقف قیامتی و برخی دیگر در دوزخ از شفاعت آن حضرت(ص) برخوردار می گردند.

شفاعت کنندگان در آخرت متعدد هستند و هریکی گروهی را شفاعت می کنند. (مدثر آیه ۴۸) از این رو هر معصومی که در مقام انسان کامل و مکرمیت است به شفاعت برمی خیزد.

قرآن شماری را به طور مشخص به عنوان شفاعت کننده برشمرده است که از آن میان می توان به حضرت ابراهیم(ع) اشاره کرد. وی حتی در دنیا خواست که برای چند گروه شفاعت کند که از جمله آنان قوم لوط بوده است. (هود آیه ۷۴ و ۷۶) با این همه آن حضرت مامور می شود تا از شفاعت از این گروه دست بردارد؛ زیرا عذاب ایشان حتم و حکم قطعی الهی بوده است. شاید علت این که شفاعت از سوی آن حضرت مطرح می شود از آن روست که آنان را مردمانی موحد ولی فاسق بر می شمارد، زیرا یکی از علل عذاب در دنیا فسق افراد و یا جامعه

است. یعنی افرادی که اهل ایمان و توحید هستند و مشرک نیستند ولی اهل فسق و فجور هستند به غضب الهی دچار می شوند و این ها در آخرت نیز پس از عذاب دوزخ به حکم این که خالدین تنها اهل شرک می باشند از دوزخ رهایی می یابند. مجادله گری حضرت(ع) با فرشتگان شاید با توجه به این مسئله بوده است. والله اعلم (همان)

پس از شفاعت است که شفاعت شوندگان از خوف و ترس رهایی می یابند و تا آن زمان در خوف و ترس قرار دارند به و یژه که شعله ور شدن دوزخ را می نگرند که به سوی ایشان می آید. با شفاعت است که آرامش در ایشان تحقق می یابد. (سباء آیه ۲۳ نگاه کنید مجمع البیان ج ۷ و ۸ ص ۶۰۹).

پیامبر اکرم(ص) از دیگر کسانی هستند که اهل شفاعت می باشند. (آل عمران آیه ۱۵۹ و نیز نساء آیه ۶۴ و ۱۱۳ و انفال آیه ۳۳ و آیات دیگر)

از خصوصیات و ویژگی های اختصاصی پیامبر(ص) آن است که در روز قیامت از شفاعت گسترده ای برخوردار می باشد و خداوند در بیان شفاعت ایشان می فرماید: ولسوف يعطيك ربك فترضى (ضحی آیه ۵)

در روایتی منقول از امام باقر(ع) آیه مزبور به شفاعت تفسیر شده است (تفسیر فرات کوفی ص ۵۷۱ و بحار الانوار ج ۸ ص ۵۷) و از آن استفاده می شود که شفاعت آن حضرت گسترده و پدافنده است تا آن جایی آن حضرت شفاعت می کند تا خشنود شود. (مجمع البیان ج ۹ و ۱۰ ص ۷۶۵)

فرشتگان (انبیاء آیه ۲۶ و ۲۸ و سبا آیه ۲۳ و نجم آیه ۲۶ و غافر آیه ۴۹) و نیز مومنان (مریم آیه ۸۷) البته در برخی از درجات (مجمع البیان ج ۵ و ۶ ص ۸۲۰ و المیزان ج ۱۴ ص ۱۱۱) و نوح(ع) (هود آیات ۳۷ و ۴۵) و اصحاب اعراف (اعراف آیه ۴۷) از اهل شفاعت هستند که می توانند شفاعت کننده و ماذون به آن است.

این ها بخشی از مسایل و مباحثی است که قرآن بدان پرداخته مباحثی دیگر نیز در این حوزه مطرح شده که در نوشتاری دیگری بدان پرداخته خواهد شد.